



جمال شورجه (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهرویار بحرانی (فیلمساز)

رابویش ارچمن (بازیگر)

داود میربالایی (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (استندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

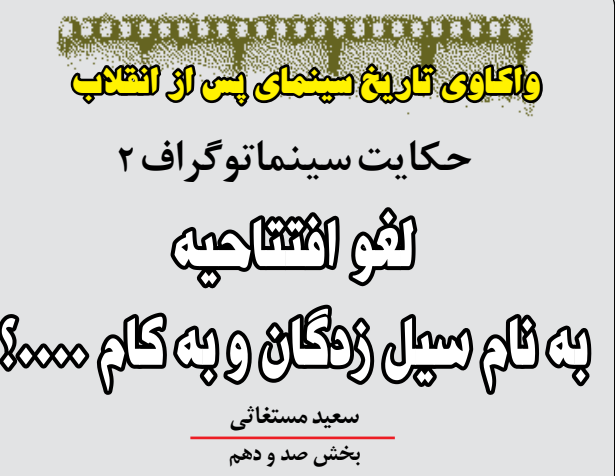
فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (ویویاتما)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

نادر طالب‌زاده (کارگردان)



واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینماتوگراف ۲

لغوی اشتقاقی

په ناکم سیل ژوگان و په واکام موهه

- سعید مستغاثی**
- بخش صد و دهم**

دبیر سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر خبر از لغو مراسم افتتاحیه آن به‌دلیل «توجه به فضای عمومی جامعه و همدردی با خانواده‌های داغدار حوادث تلخ اخیر» داد (احتمالاً منظورش ماجراهای آبان ۱۳۹۸ و سانحه هواپیمای اوکراینی بود) و اظهار داشت گویا هزینه‌های آن برای کمک به سیزدگان صرف خواهد شد.

این در شرایطی بود که رسانه‌های زنجیره‌ای غرب، در پی وقایع شگفت‌انگیزی مانند تشییع دهها میلیون‌پیکر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و همچنین موشک باران پایگاه اصلی آمریکا در عراق، فشار جداکنثری رسانه‌ای و جنگ روانی خود را بر کمرنگ‌شدن جشن‌های دهه فجر و به خصوص جشنواره‌های هنری متمرکز نمودند. تبلیغات سرسام‌آور و موج پروپاگاندای رسانه‌ای این کانون‌ها مبنی بر تحریم جشنواره فیلم فجر از سوی کسانی که اغلب نه فیلمی در جشنواره داشتند و نه برای آن دعوت شده و نه حتی کارت‌تی برایشان صادر شده بود، پرده نخست جنگ روانی فوق به شمار آمد و القاء اینکه جشنواره بر اثر این تحریم‌ها، از شکوه و اعتبار افتاده و دچار افول شده، پرده دوم بود که البته برخی اقدامات داخلی هم توانست تا حدودی این القاتان را تقویت نماید.

سخن با دبیر محترم جشنواره فیلم فجر این بود که اگر واقعا قصد بر این داشتید هزینه‌های مراسم افتتاحیه برای کمک به سیل‌زدگان مصرف شود که بسیار امر پسندیده و تحسین‌برانگیزی بود. چه بسا اگر همه هزینه‌های این‌گونه جشنواره‌ها هم برای کمک به مردم محروم سیستان‌بلوچستان صرف می‌شد، بر بی‌راه نبود که تجربه نشان داده، جشنواره فیلم فجر در سال‌های اخیر بیشتر محل عرض‌اندام و شاخ و شانه‌کشیدن همان‌ها بوده که اینک بر طبل تحریم می‌کوبیدند و متأسفانه مدیران این جشنواره در طی این سالها هر چه تقدیر و جایزه و پول و سرمایه هم بود به پای چنین افرادی ریختند که با فیلم‌ها و آثارشان بیشترین دروغ و تهمت و افترا به جامعه ایرانی و مردم و انقلابش زناز کردند.



بیگانه، مناسب بود جناب دبیر میزان هزینه‌ای که برای مراسم افتتاحیه در نظر گرفته بودند را به طور شفاف اعلام نموده و سپس فیش واریزی آن به حساب سیل‌زدگان سیستان‌بلوچستان نیز به طور شفاف انتشار می‌دادند. خصوصا که سازمان سینمایی ادعای بسیاری بر شفاف‌سازی عملکردها و تصمیم‌گیری‌هایش داشته وارد.

روز اول: تحریمی‌ها چی شدند؟

روز اول جشنواره سی‌وهشتمین علی‌رغم اینکه انتظار می‌رفت به روال معمول سال‌های پیش نسبت به روزهای میانی و پایانی خلوت‌تر باشد، اما این چنین نبود و شلوغ‌تر از همیشه به نظر رسید. یعنی علی‌رغم داشتن کارت و سانس مشخص از همان سانس اول روز اول، ناچار شدیم زمانی را در صفت سپری کنیم با تواتیم داخل سالن شویم، راستش را بخواهید ته دلمان خوشحال بودیم که گفتند عده‌ای جشنواره را تحریم کرده‌اند! چرا که براین تصور بودیم، اندکی هم خلوت‌شدن باعث می‌شود دیگر حداقل مدت‌ها در صف نایستیم یا به کسی نسپاریم که برآیمان در صف جا بگیرد! و از همه بدتر، کسی را جلوتر نفرستیم که در سالن برآیمان صندلی اشغال کند!

از طرف دیگر هم بدمان نمی‌آمد که به همین بهانه به اصطلاح تحریم، برخی فیلم‌های بعضی فیلمسازان قدیمی مثل آثار ملال آور و کشدار مسعود کیمیایی از جشنواره بیرون کشیده شود تا بلکه حداقل از یک عذاب الیم دو ساعتۀ تماشای آن فیلم خارج شویم! اما نشد که نشد! هم سالن جشنواره به لحاظ ازادمان آن چنان شلوغ بود که از روز اول برای دین فیلم‌ها باید در صف می‌ایستادیم و هم به‌دلیل آنکه هیچ فیلمی از جشنواره بیرون کشیده نشد بازهم باید همان فیلم‌های عذاب‌آور را تحمل کنیم! پس تحریمی‌ها چی شدند؟!

روز دوم؛ لطفاً به بیرون هدایتشان کنید

وقتی در ۱۸ ماه مه سال ۲۰۱۱ «لارس فن تریر»، فیلمساز محبوب فرانسوی‌ها در کنفرانس خبری پس از نمایش فیلمش (ملاکولیا) در جشنواره فیلم کن، شوخی کوچکی با اسرائیل کرد، مسئولان این جشنواره با صدور بی‌نهایتی اقدام به اخراج وی از جشنواره کن کرده و بدون آنکه به عذرخواهی وی توجه کنند، در بیانیه خود نوشتند:

«هیئت‌مدیره جشنواره عمیقاً از اینکه لارس فن تریر از جلسه بحث و تبادل نظر برای بیان سخنانی غیرقابل‌قبول، تحمل‌ناپذیر و مغایر با ایده‌ال‌های جشنواره استفاده کرد، متأسف است.»

هیئت‌مدیره جشنواره فیلم کن در بیانیه خود ضمن محکوم کردن قاطعانه سخنان فن تریر، وی را «عنصر نامطلوب» (persona non grata) اعلام کرد! این در حالی بود که پیش از آن لارس فن تریر، ۱۴ بار نامزد دریافت جوایز مختلف این جشنواره شده و ۶ جایزه از جمله نخل طلا (بالترین جایزه جشنواره کن)، جایزه بزرگ و همچنین جایزه ویژه هیئت داوران را برای فیلم‌های «فصله در تاریکی»، «شکستن امواج» و «رویا» طی سال‌های مختلف دریافت کرده بود.

سال گذشته هم کوین‌هارت (کم‌دین مشهور آمریکایی) در حالی که برای اجرا و میزبانی مراسم اسکار انتخاب شده بود، به دلیل چند اظهار نظر مخالف درباره همجنس‌گرایی در سال ۲۰۰۹ (یعنی ۹ سال قبل از اینکه به عنوان مجری اسکار انتخاب شود) همچ‌وگه گونه توضیحی از سوی اسکار حذف شد و این مراسم بدون مجری برگزار گردید! در جشنواره کن اسامال نیز اعطای نخل طلای افتخاری برای یک عمر فعالیت سینمایی به آلن دلون (بازیگر معروف فرانسوی)، به دلیل اظهار نظر وی درباره اینکه با حضانت فرزند از سوی والدین همجنس‌گرا مخالف است، در آستانه لغوشدن قرار گرفت!

حالا در جشنواره فیلم فجر یا در رسانه ملی و یا در دیگر مراسم به اصطلاح هنری و سینمایی، گروهی که بعضاً دوتابعیتی بوده و جشنواره و رسانه ملی را تحریم کردند، به آسانی باز هم در این مراکز فرهنگی برایشان فرش قرمز پهن شد و پروژه‌های میلیاردری تقدیمشان گردید و انواع و اقسام جایزه را به پایشان ریختند!

۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. به عمر منحوس نظام دو هزار و ۵۰۰ ساله شاهنشاهی نطقه پایان گذاشته شد و در عین ناباوری آمریکا و غرب، حکومت ۵۳ ساله پهلوی سرنگون شد. چنین بود که جمهوری اسلامی برپا شد. با استقرار نظام سیاسی اسلامی، فضای کشور در حال و هوای ضد دینی‌به دینی تغییر پیدا کرد. همیای تغییر ساخت‌ها و ساخت‌های گوناگون، عرصه سینمای کشورمان نیز شکل تازه‌ای به خود گرفت. در مرحله نخست، مولفه‌ها و نشانگان فیلمفارسی زوده شد و کارگزاران و عوامل سینمای پیش از انقلاب، به کنار گذاشته شدند. این رویداد طبیعی و منطقی بود. سینماگرانی که بانی و مروج رفتار مغایر با دین الهی بودند و مخاطب را به بعد حیوانی دلالت می‌دادند، آیا می‌توانستند در صحنه «سینمایی» حاضر و منشأ خیر شوند که قرار بود آینه ارزش‌های اسلامی باشد؟ پاسخ کاملاً روشن و ساده است…مسلماً خیر! اما همه اهالی فیلمفارسی برای همیشه از دامنه سینمای ایران به کنار نماندند. برخی از آنان پیشیمانی خود را نسبت به فعالیت در بطن سینمای مبتذل ابراز کردند و تمام قد آماده پذیرش اقتضات ارزشمند سینمای نوین ایران شدند. از همین گروه، بسیاری باز رخت سینمایی به تن کردند و هوای تازه‌ای را تجربه نمودند. برخی هم پشیمان نشدند. بودند کسانی که به‌جای سکوت و سر به زندگی بی‌حاشیه داشتن و بهره از لحظات بازنشستگی ناخواسته، نه تنها پیشیمان از گذشته و کارنامه برآمده از سینمای طاغوت نبودند که در داخل و خارج، در برابر انقلاب اسلامی و خواست مردم دیندار، موضع‌گیری معانده‌ان کردند و می‌کنند.

در هنگامی که ایران ما در معرض شورش‌ها و جنگ تجزیه‌طلبانه قرار داشت، وقتی با تجاوز یعنی‌ها بخش‌هایی از وطنمان اشغال شد، آن روزها که گروهک‌ها به پهانه دفاع از خلق و در قراق برای مصادره قدرت و تأمین منافع دول استکباری چون گماشته‌ای حقیر تقلا می‌کردند و بی‌خیابان با بمب‌گذاری، کوچک و بزرگ و پیر و جوان را به خاک و خون می‌کشیدند، همان سالها که حلقه تحریم مانند همین روزها، معیشت و سلامت مردم مظلوم ایران را هدف گرفته بود… اهالی معاند فیلمفارسی

نمایش دراماتیک «ذرات آشوب» به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی اجرا شد که کوهی از تجربه در تئاتر، نویسندگی، شعر و… را به عنوان پشتوانه برای این اثر داشت.

پشت‌کوهی که خود اصالت جنوبی دارد به طور معمول آثار خود را با تم و درون مایه فرهنگ جنوب به روی صحنه می‌برد و این‌بار هم ذرات آشوب از این قاعده مستثنی نبود و دقیقاً به بخشی از تاریخ جنوب و به ویژه به جزیره هرمز پرداخته شد که زمان طولانی در اشغال برتغالی‌ها بود.

اساس و فاشله اجتماعی و تعلق مردم جنوب به ویژه بندرعباس و جزایر اطراف آن به فرهنگ دیرینی متصل استت که برخی از این‌س فرهنگ‌ها در آمیزش

نمایش دراماتیک «ذرات آشوب» به نویسندگی و کارگردانی ابراهیم پشت‌کوهی اجرا شد که کوهی از تجربه در تئاتر، نویسندگی، شعر و… را به عنوان پشتوانه برای این اثر داشت.

پشت‌کوهی که خود اصالت جنوبی دارد به طور معمول آثار خود را با تم و درون مایه فرهنگ جنوب به روی صحنه می‌برد و این‌بار هم ذرات آشوب از این قاعده مستثنی نبود و دقیقاً به بخشی از تاریخ جنوب و به ویژه به جزیره هرمز پرداخته شد که زمان طولانی در اشغال برتغالی‌ها بود.

اساس و فاشله اجتماعی و تعلق مردم جنوب به ویژه بندرعباس و جزایر اطراف آن به فرهنگ دیرینی متصل استت که برخی از این‌س فرهنگ‌ها در آمیزش

فرهنگی نیروهای خارجی شکل خاصی به خود گرفت‌اند و یا به واسطه مجاورت با دریا و گذر کشتی‌ها و ملوانان تبدیل به ماهیتی از هستی و هستی شناسی فرهنگی مردم جنوب شده‌اند.

فرهنگ «زار» که با شخصیت‌هایی مثل بابای زار و مامای زار و… شناخته می‌شود و همواره داستان‌های افسانه‌ای و رئال گوناهی نیز پشت این فرهنگ وجود دارد؛ پیوسته مورد توجه هنرمندان این خله از مینهن عزیزمان استت که وقتی کار به آثار نمایشی می‌کشد آنگاه تجلی بیشتری به خود می‌گیرد و وقتی نام ابراهیم پشت‌کوهی نیز در پی آن باشد تمام توجه‌ها را به خودش جلب خواهد کرد که در اجرای جشنواره‌ای این نمایش شاهد این موضوع بودیم.

یکی از ویژگی‌های فرهنگ اجتماعی بندرعباس و مردم جزایر، آستگنی بی‌واسطه و شدید به موسیقی و شادی استت که هیچ‌گاه نمی‌توان این دو را از مردم جنوب جدا دید و در نمایش ذرات آشوب نیز به خوبی این اصل برای تماشاگران به نمایش در آمد که تماشاگر از همان ابتدای ورود به سالن با این

فرهنگی نیروهای خارجی شکل خاصی به خود گرفت‌اند و یا به واسطه مجاورت با دریا و گذر کشتی‌ها و ملوانان تبدیل به ماهیتی از هستی و هستی شناسی فرهنگی مردم جنوب شده‌اند.

فرهنگ «زار» که با شخصیت‌هایی مثل بابای زار و مامای زار و… شناخته می‌شود و همواره داستان‌های افسانه‌ای و رئال گوناهی نیز پشت این فرهنگ وجود دارد؛ پیوسته مورد توجه هنرمندان این خله از مینهن عزیزمان استت که وقتی کار به آثار نمایشی می‌کشد آنگاه تجلی بیشتری به خود می‌گیرد و وقتی نام ابراهیم پشت‌کوهی نیز در پی آن باشد تمام توجه‌ها را به خودش جلب خواهد کرد که در اجرای جشنواره‌ای این نمایش شاهد این موضوع بودیم.

یکی از ویژگی‌های فرهنگ اجتماعی بندرعباس و مردم جزایر، آستگنی بی‌واسطه و شدید به موسیقی و شادی استت که هیچ‌گاه نمی‌توان این دو را از مردم جنوب جدا دید و در نمایش ذرات آشوب نیز به خوبی این اصل برای تماشاگران به نمایش در آمد که تماشاگر از همان ابتدای ورود به سالن با این

فرهنگی نیروهای خارجی شکل خاصی به خود گرفت‌اند و یا به واسطه مجاورت با دریا و گذر کشتی‌ها و ملوانان تبدیل به ماهیتی از هستی و هستی شناسی فرهنگی مردم جنوب شده‌اند.



یک نام و یک جریان!

◄ **زمان گرمی** ►



جریان یاد شده مدام بر طبل ضرورت بازگشت ووقو رخ مخاطب معوطن می‌کشیدند و بز‌های شبانه‌شان در لوس آنجلس و لندن تعطیل نمی‌شدا یکی از این نوع اهالی؛ خلیل ووقو یا بهروز ووقو بودا و ازابازیگری بود که خیلی زود به عنوان یکی از مهره‌های اصلی فیلمفارسی شناخته شد.

طی سالیان پیش، جریان معارض با اندیشه دینی و مخالف با سیاست‌های فرهنگی نظام، با ابراز رسانه‌های گوناگون- داخلی- و خارج-ی و در بطن مجامع مختلف و از جمله جشنواره‌ها، تلاش کرد با بزرگنمایی هنر

پرسش خوبی است!...
بله ووقو اجازه برگشتت به کشور را ندارد، حضور سینمایی او هم پذیرفتنی نیست؛ به چند دلیل!



تعدد پرسناژها که قریب به ۳۰ نفر بودند روی صحنه به طور جدی گاهی صحنه را از نظم خارج می‌کرد که قطعاً تعدمی برای این کار از سوی پشت‌کوهی بوده است؛ اما اعتماد پشت‌کوهی به بازیگرانش تا به جایی بوده که گویا اصلاً پیش از این مراحل متن اصلی نمایشی وجود نداشته و هر آنچه شکل گرفته بر اساس طرحی بوده‌است که پشت‌کوهی آن را مطرح و گلم به گام این طرح را با بازیگران و سایر عوامل به جلو آورد.

نگاهی به نمایش ذرات آشوب

روایتی از کارکرد فرهنگ بومی برای مبارزه با استبداد

عزیزالله محمدی

بار نمایشی ذرات آشوب و حتی بازی‌های بعضی از بازیگران از جمله پژمان جمشیدی که اصلا در حد نام خودش ظاهر نشد آنگونه که باید نتوانست رضایت تماشاگران را جلب کند و عدم اجرای اجراهای عمومی

پیش از جشنواره کاملاً مشهود و نمایان شد که به رغم سایر نمایش‌های حاضر در جشنواره که پیش از جشنواره به اجراهای عمومی پرداختند؛ بر اساس اظهارات پشت‌کوهی این نمایش از فروردین ۱۴۰۳ به طور کلی نمایش ذرات آشوب در یک فضا و خط حماسی سسری می‌کند که با توجه به تم اولیه و شرح نمایش، قابل حدس بود که این میزان از شادی اجتماعی به زودی دست‌خوش تغییرات و دگرگونی‌های اساسی خواهد شد و علاوه‌بر اشتقاق در اجتماع قطعاً با شخصیت‌های قهرمان و ضد قهرمان نیز رویه‌رو خواهیم بود که در نهایت انتظار شکل‌گیری ترازوی را نیز می‌توانیم داشته باشیم.

ابراهیم پشت‌کوهی پیش از شروع اجرا و بعد از سکون کامل تماشاگران، ضمن ایجاد آشنادایی برای

اول اینکه؛ ووقو بازیگر فیلم‌های مبتذل بود. نام و حضور وی یعنی دلالت مخاطب به شاخص‌ها و عناصر و حال و هوای فیلمفارسی.
دوم؛ او تنها یک بازیگر نبود؛ بازیگری نبود که منتظر پیشنهاد بازی باشد و با هر پیشنهاد در برابر دوربین حاضر شود، بلکه او یک رکن فیلمفارسی بود، نشانه بود!

سوم؛ او با دربار و عناصر طاغوت مرتبط بود و به عنوان معشوق اشرف پهلوی باید پاسخگوی مشارکت خود با خواهر توامان محمدرضا پهلوی در مسیر قاچاق مواد افیونی و مجالس قمار باشد!

چهارم؛ ووقو نه در سال ۵۷ و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که در سال ۵۶ از ایران رفت، چرا؟ مگر در سال ۵۶ چه مسئله‌ای داشتت و چه رخ داده بود؟! گفته می‌شود او متهم به اقدامی بود که ناگزیر به فرار بود. تاکنون حامیان وی از اتهام محبوب خود سخن گفته‌اند، تحقیق کرده‌اند؟! اتهام او کوچک نیست… پنجم؛ ووقو درباره چرایش و چگونگی ازدواج با فائقه آنتشین مشهور به گوگوش و نقش ساواک در این ازدواج چه توضیحی دارد؟…بی‌شک این توضیحات شیندنی است!

ششم؛ ووقو فردی عصبی و متعرج بود. او یک روز، فردی با نام خاکی- عکاس روزنامه اطلاعات- را چهارم؛ ووقو نه در سال ۵۷ و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که در سال ۵۶ از ایران رفت، چرا؟ مگر در سال ۵۶ چه مسئله‌ای داشتت و چه رخ داده بود؟! گفته می‌شود او متهم به اقدامی بود که ناگزیر به فرار بود. تاکنون حامیان وی از اتهام محبوب خود سخن گفته‌اند، تحقیق کرده‌اند؟! اتهام او کوچک نیست… پنجم؛ ووقو درباره چرایش و چگونگی ازدواج با فائقه آنتشین مشهور به گوگوش و نقش ساواک در این ازدواج چه توضیحی دارد؟…بی‌شک این توضیحات شیندنی است!

ششم؛ ووقو فردی عصبی و متعرج بود. او یک روز، فردی با نام خاکی- عکاس روزنامه اطلاعات- را

صفحه ۸

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۳

۱۸ شعبان ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۷۹۸



هدف ضرب و شستم قرار داد. شدت جراحت خاکی تا جایی بود که در بیمارستان بستری شد. هفتم؛ بازیگر فیلم کیف‌کنند، ۴۶ سال یک جمله در مذمت نظام فاسد شاهی نگفت، یک بار از سینمای سیاه طاغوت ابراز انزجار نکرد، یک بار دشمنان خارجی ایرانیان را محکوم نکرد و یک بار نسبت به رنج‌های تنمیه‌به مردم ایران ابراز ناخشنودی نمود. او در گام شد. با این اوصاف، آیا نظام دینی باید پذیرای وی باشد؟! باز یک پرسش! چرا باید فردی مانند ووقو موضوع بزرگنمایی و سرمشق‌سازی قرار گیرد و تلاش شود که نام بهروز ووقو مترادف سینمای ایران القا شود؟ پاسخ دشوار است؟ مسلماً خیر!

ووقو به عنوان نشانه‌ان ابتدال اخلاقی و سیاسی، واجد و مبلغ عناصر فیلمفارسی و فرهنگ شاهنشاهی است. چرا نباید از سوی مخالفان نظام دینی سرمشق واقع شود؟ پس اگر شاهد هستنید در بطن جشنواره فیلم فجر یعنی جشن سینمایی و فرهنگی انقلاب اسلامی، داور جشنواره، یاد خلیل ووقو را بلند به زبان می‌آورد و از وی تمجید می‌کند، شگفت زده نشوید! از سکوت مسئولی مانند وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم که معاون هنری‌اش خواهان تحریم ایران به دست رئیس‌جمهور اسبق آمریکا بود، شگفت زده نشوید!

و یک چیز دیگر:
حامیان معشوق اشرف بر آنند که:

«به سا ربطی ندارد و دغدغه ما هم نیستت که بهروزخسان در فیلم‌های غیر اخلاقی ظاهر می‌شد. می‌گویند به ما چه او با دربار پهلوی مرتبط بود. نه او سیاسی استت و نه ما! بهروز خان هرچه بود، یک بازیگر بزرگ و با بازی او اعجاز‌گونه، هنرمند است و مهم همین است!»

باید به اینان گفت و با تأکید گفت که:

عزیزان! اگر تنها و تنها برای محبوب واقع شدن و قهرمان گشتن و سرمشق بودن و مقام اسطوره یافتن، شاخص هنرمند بودن و حرفه‌ای بودن است، پس زین پس، بدون لکتت نام مفسدنی چون سرباس مختاری رئیس نظمه موسیقی‌دان رضاخان و ناصرالدین شاه شاعر و عکاس و آدولف هیتلر فاشیست نقاش و… را هم ورد زبان کنید که آنها هم هنرمندان چیره‌دستی بودند!

نسبت به درک جامعه جنوب داده بود که در طول نمایش آنچه ظاهر شد کارکرد فرهنگ بومی برای مبارزه با استبداد بود که از دل فرهنگ «زار» بیرون آمد و مامای زار با طرح برنامه‌ای با تقویت انگیزه مردم برای مبارزه با کپتان بلایت بیشتر افزود.

خودکشی‌های متوالی دختران هرمزی بعد از قرار گرفتن در کاخ کاپیتان بلایت روح جریحه‌دار شده مردم را لحظه به لحظه هم در سالن و هم بر روی صحنه به تهییج و آشوب علیه برتغالی‌ها می‌کشید که تقریباً تمام شخصیت‌ها با این صحنه‌های خلق شده ارتباط اعتقادی، معنایی و رفتاری برقرار می‌کنند.

وجه سیاسی خشیدن به بعضی از تفاهات و مصالحه‌ها با گفت‌وگوهای کاپیتان بلایت و بزرگان جزیره، تصویر و قاب متفاوتی از جریانات شکل گرفته داستان استت که پشت‌کوهی به این وسیله سعی کرده بود تمام زوایای موجود در روابط اجتماعی و تاریخی آن زسان را تعمیم به همه دوره‌های تاریخی بدهد و اشارای دقیق به کارکرد منفی نقش بعضی از خواص در وقایع مختلف تاریخی داشت.

طراحی صحنه متحرک اسکله و کاخ کاپیتان بلایت نیز تقابل دیگری بود که بر صحنه کلی نمایش بار معنایی از تقابل را بخشیده بود و هر گاه اسکله بر روی صحنه ظاهر می‌شد- شاهد فید اوت شدن کاخ و هرگاه، کاخ در سایه نور صحنه پرنگ می‌شد

عاشقانه‌ها، «ذرات آشوب» و رزم جوی‌ها و… می‌شد. به طور کلی «ذرات آشوب» روی صحنه و سن ظرفیت و پتانسیلی بیشتر از آنچه در جشنواره دیده شد؛ را دارد که شاید به علت زمان کم برای تمرین عوامل و یا عدم حضور برخی شخصیت‌ها در تمرینات مستمر و یا شاید هم به دلیل محدودیت‌های خاص- که پشت‌کوهی در لفافه انتظار حمایت بیشتر را طلب کرده- این کار نتوانستت جز آن تشخیص بخشی به

برهه‌ای از تاریخ موضوع دیگری از ایجاد صحنه و نمایش عجب کند. به آنچه گفته شد می‌توانیم بیفزاییم که به رغم داستان‌های موجود و متن شکل گرفته از این واقعه تاریخی، متأسفانه شخصیت پردازی‌ها و بازی‌های روی صحنه نتوانست رضایت تماشاگران را جلب کند و گاه غلبه موسیقی بر صحنه نیز که حتی عدم هماهنگی نیز در لحظاتی در آن احساس می‌شد حلولت نامشآسی یک اثر خوب را در حد نام ابراهیم پشت‌کوهی کاهش داده بود.

در حاشیه یک حاشیه در اختتامیه فیلم فجر

چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر در شب ۲۲ بهمن و در چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در حالی برگزار شد که برخی حواشی، دل دردمندان انقلاب را به درد آورد. اگرچه در این مراسم از سازندگان برخی فیلم‌های دفاع مقدس و انقلابی قدردانی شد، اما در بخش تقدیر از چهره‌های سینمای قبل از انقلاب، اتفاقات ناراحت‌کننده‌ای رخ داد.

این تقدیرها قطعاً دل خانواده‌های شهیدا و مردم انقلابی را آزرده کرد. در حالی که طی این سال‌ها هنرمندان و سینماگران بسیاری پس از انقلاب، سینمایی مردمی و انقلابی را بنا کرده‌اند که امروز در جهان شناخته شده است، تلاش‌ها و خون دل‌های کسانی چون شهید آوینی، فرخ‌الله سلحشور، نادر طالب‌زاده و دیگر هنرمندان انقلابی همچنان بی‌توجهی است.

این سؤال پیش می‌آید که با چنین پیشینه‌ای درخشان، چرا برخی افرادی که خودشان عضو مجموعه همین نظام هستند و به عنوان فیلمساز دولتی یا داور جشنواره فجر شناخته می‌شوند باید به سمت فضای سینمای قبل از انقلاب حرکت کنند؟ این روند می‌تواند به نفوذ دشمنان انقلاب اسلامی دامن بزند، چنان که مقام معظم رهبری بارها درخصوص نفوذ فرهنگی هشدار داده‌اند.

کوتاهی در این امر، به‌ویژه در جشنواره‌ای که به نام فجر انقلاب برگزار می‌شود، خلاف اهداف این رویداد

است.

حتی اگر برخی از افراد تلاش کنند فضای سینمای انقلابی را تحت تأثیر قرار دهند، باید بدانند که هنرمندان متعدد و ولایتمدار همواره اجازه نخواهند داد تا این فضا آلوده شود. در نهایت، این جشنواره نشان‌دهنده عزم برخی است که قصد دارند هویت انقلابی سینمای ایران را تغییر دهند. مسئولان فرهنگی باید با هوشیاری در مقابل این توطئه بایستند و به مطالبه مردم انقلابی پاسخ دهند.

رسول شمالی وزرنده